

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Martyrs

جانبازان

شباهنگ راد  
۰۹ اکتوبر ۲۰۱۳

## در چهل و ششمین سالگرد جانباختن "چه گوارا"

در ۹ اکتوبر ۱۹۶۷، لشکریان و جرثومه‌های سرمایه، سینه "چه گوارا"، یکی از بر جسته‌ترین کمونیست‌های دنیا را بعد از شکنجه‌های فراوان به گلوله بستند. چند دهه‌ای است که از جانباختن این کمونیست ارزشمند می‌گذرد؛ کمونیستی که با دنیای نابرابر و با مسیبان فقر میلیون‌ها انسان جهان سر جنگ داشت. "چه" مطالعه و سفر نمود تا به عمق تفاوت‌های طبقاتی، که ماحصل چشمداشت بی انتهای عده‌ای قلیل از آحاد جامعه، به جان و مال توده‌ها بود، پی ببرد. شناخت و به کار بست و تا آخرین دقایق زندگی پُر بارش در دفاع از منافع ستم‌دیدگان باز نماند. در حقیقت تولد، زندگی و مرگ "چه گوارا" مملو از آموختنی‌هاست. در ارجنتاین به دنیا آمد، در کوبا جنگید و در بولیوی جان باخت.

به بیانی مفهوم و مضمون واقعی انقلاب توده‌ئی در درون "چه" جوان عجیب شده بود و متعاقباً سفر به کشورهای امریکای جنوبی در دوران دانشجویی، افکار وی را به سمت راه‌اندازی انقلاب و کمک به محرومترین اقشار جوامع تحت سلطه شکل داد. فقر هزاران توده محروم را به گونه عملی لمس نمود و به این جمع‌بندی روشن و واقعی دست یافت که پاسخ دیکتاتورهای وابسته، راه‌اندازی انقلاب قهرآمیز است.

در چنین دورانی بود که به مکزیکی رفت و با کاسترو آشنا و به جنبش چریکی کوبا پیوست و در مدت زمانی کوتاه، در گوشه‌ای از جهان سرمایه‌داری، پرچم انقلاب کارگران و زحمت‌کشان را برافراشت. "چه" چند سال بعد از پس زدن سرمایه از خاک و جان و مال توده‌های ستم‌دیده کوبا، و علی‌رغم داشتن پست‌های کلیدی - و به‌منظور انجام وظایف انترناسیونالیستی‌اش -، کوبا را ترک و راهی جامعه‌ای دیگر شد. بر این عقیده بود که دیگر جنبش‌های اعتراضی نیاز به حمایت کمونیست‌های عمل‌گرا دارند. بر این باور بود که تضمین رهائی درازمدت‌تر توده‌های محروم کوبا، منوط به قطع سلطه امپریالیست‌ها در دیگر نقاط جهان است. به همین دلیل در آغاز به کنگو و سپس و در اوائل سال ۶۷ مخفیانه به بولیوی رفت تا مبارزه چریک‌های چپ‌گرای بولیوی را علیه دولت وابسته آن سازمان دهد. بی‌تردید دشمنان طبقاتی "چه گوارا" هم، به‌منظور جلوگیری از انجام وظایف انترناسیونالیستی‌اش دست به کار شدند و با تمام قواء در صدد کشف مکان و فعالیت‌های "چه" بر آمدند. جانباختن بشریت پی برده بودند که "چه"، قصد راه‌اندازی انقلابی دیگر، از نوع انقلاب کوبا را در سر می‌پروراند. تجمع و سازماندهی تازه دستگاه‌های امنیتی به‌همراه مزدوران محلی باعث گردیده است تا محل "چه" و دیگر یارانش کشف گردد و بالاخره و بعد از چندین ماه مبارزه چریکی در کوه‌ها و جنگل‌های بولیوی، وی را محاصره، و در ۸ اکتوبر ۶۷ دستگیر و بعد از شکنجه‌های فراوان، در ۹ اکتوبر به رگبار به بندند.

نگاه و جمع‌بندی تاریخ بعد از مرگ "چه"، این موضوع را در برابر همگان قرار می‌دهد که اگر چه سرمایه‌داران بر این باور بودند که با از کار انداختن قلب پر از کین "چه"، قادر خواهند گردید تا راه، آرمان و جان‌فشانی‌های وی را

دفن نمایند؛ اما حمایت و پشتیبانی بی‌دریغ میلیون‌ها توده‌ستمدیده جهان و مدافعان راه رهایی از زیر یوغ سلطه اهریمنی، بر این واقعیت صحنه گذاشت که مرگ "چه"، تولدی تازه بود. از آن‌زمان به بعد بود که دنیا به عظمت و به وفاداری این کمونیست پی بُرد؛ از آن‌زمان به بعد بود که جنبش کمونیستی پی بُرده بود که چه یار ارزشمندی را از دست داده است؛ پی بُرده بود که تضمین رهایی میلیون‌ها انسان در بند از شر نظام‌های امپریالیستی، نیازمند انسان‌ها و کمونیست‌هایی همچون "چه‌گوارا" است.

به باوری دیگر این روزها جنبش کمونیستی جهانی در حسرت پی‌گیری راه کمونیست‌های صدیق و انسان‌های فداکار و عمل‌گرایی همچون "چه‌گوارا" است. دهه‌هاست که سرمایه بر شتاب تعرض خود افزوده است و جهان انسانی، شاهد سیاست و عکس‌العمل به‌جا و درخور شایسته کمونیست‌ها نیست. سیاست و عملی که در تخالف با سیاست و عمل "چه"، می‌باشد. در حقیقت سیاست و عمل تعریف شده "چه‌گوارا"، سیاست و عمل سکون و بیگانگی مبارزاتی و ایستائی نبود و علی‌رغم مشکلات متناوب، به‌دنبال راه‌جویی‌های عملی به‌منظور سازمان دادن جنبش‌های اعتراضی - کمونیستی بود. بر مبنای چنین واقعیاتی بود که سرمایه‌داران در صدد دستگیری "چه" بر آمدند و به خیال خود بر این ایده‌واهی بودند که با حذف فزیزی وی می‌توانند افکار و عملکرد کمونیستی‌اش را از ذهن دنیای انسانی پاک نمایند. بر این اندیشه‌واهی بودند که مرگ "چه"، مترادف با مرگ آرمان رهایی‌بردگی و بندگی از زیر سلطه سرمایه است؛ اما در مقابل توجه نسل‌های بعدی جهان، به اندیشه "چه‌گوارا"، نه تنها خلاف ارزیابی‌های سخیف سرمایه‌داران جهانی را به نمایش گذاشت، بلکه نشان داده است که راه و آرمان "چه"، به مشغله فکری و همچنین به سر تیتیر افکار نیروهای جوان تبدیل گردیده است. مگر بی دلیل و بی اعتبار بوده و می‌باشد که میلیون‌ها انسان سرتاسر جهان از وی به نیکی یاد می‌کنند و "چه" را به عنوان عنصر صادق، و به عنوان یار و یاور جنبش‌های کارگری - توده‌ئی به حساب می‌آورند؛ "چه" که به حق و به جرأت دین خود را در قبال جنبش‌های انترناسیونالیستی ادا نمود و بر این اندیشه کمونیستی پای فشرد که وظیفه مدافعان توده‌های محروم، راه‌اندازی و پی‌گیری انقلابات کارگری - توده‌ئی در تمامی و در گسترده جهان سرمایه‌داری است.

در یک کلام و به اعتباری باید اذعان نمود که حقانیت اندیشه "چه‌گوارا" جهانی شده است. "چه" متعلق به همه آزادی‌خواهان جهان و متعلق به یگانه طبقه تا به آخر انقلابی‌ست و جهان انسانی به اعمال و رفتار کمونیست‌هایی همچون "چه" می‌بالد و به تبع آن مرور و بارخوانی فعالیت‌های "چه‌گوارا" برای هر انسان مدافع رهایی از زیر ستم ظالمان هم انرژی‌زاست. "چه" همواره و همواره با مردم و در ذهن‌هاست و فراموش ناشدنی‌ست؛ "چه" که نام و عکس وی زینت دهنده اعتراضات کارگری - توده‌ئی سرتاسر جهان است و هزاران انسان مخالف مناسبات گندیده در گوشه و کنار جهان سرمایه‌داری فریاد بر می‌آورند که "چه" نه تنها نمرده است بلکه مرگ وی، تولدی تازه بود.

۸ اکتوبر ۲۰۱۳

۱۶ مهر [میزان] ۱۳۹۲